



نشریه قدم - شماره ۱۸۳ - سال نهم - ۱۳۹۹

ریشه هویت ما

چرا انجمن اسلامی دانشجویان مستقل؟

تنفس در سیاسی ترین دانشکده و دانشگاه

دانشگاه صحنه دانشجویی

قدم




شماره ۱۸۲ - سال نهم - آذرماه ۱۳۹۹

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مدیر مسئول: نسترن محمد حسینی
سر دبیر: کیما محمدزاده
طراحی جلد و صفحه آرایی: فرشته اکبری

هیئت نویسندگان: صادق فرامرز
نسترن محمد حسینی
کیما محمدزاده
زهره حسینی

 ghadr__motlagh

 ghadr_motlagh



روز دانشجویان را در دانشگاه نبودن و التهاب‌های ناشی از برنامه‌های تشکلی مختلف را ندیدن و اصلاً چرا راه دور برویم، همین نیروهای امنیتی صف بسته جلوی سر در را ندیدن، یک تراژدی است. تراژدی‌ای که نسل ما تجربه‌اش کرد. اما ما امیدواریم. امیدواریم به روزهای روشن. به روزهای شلوغ دانشکده.

راستی، سلام :

تلخ شروع کردم که بگویم، ما هم که دیگر سال آخر دوران کارشناسی را می‌گذرانیم، از خاک گرفتن میزهای کلاس‌های دانشکده، ناراحتیم. ما هم از اینکه نتوانستیم از شما جدیدالورودی‌ها، استقبال گرمی کنیم، ناراحتیم. ما هم از اینکه نمی‌توانیم در دفتر کوچک‌مان کنارتان بنشینیم و از خودمان و تجربیات درسی و غیردرسی‌مان و فعالیت‌های تشکیلاتی و خنده‌ها و سختی‌هایمان، بگوییم ناراحتیم. که آنچه ارتباط را معنا می‌بخشد حضور است. اما فعلاً مجبوریم از آنچه که هست، استفاده کنیم و همان را غنیمت شمیریم، حالا آنچه که هست کلماتند. کلماتی که می‌توانند احساس یک تبریک صمیمانه را به شما برسانند، تبریک برای حضور «فعلاً» مجازی‌تان به دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

اما از درد دل و تبریک قبولی که بگذریم، آنچه در این نوشتار کوتاه قابل گفتن است و گفتنش کلیشه نیست و سرتان را به درد نمی‌آورد و امیدوارم آن را نصیحتی مادر بزرگانه نبینید و اگر اینگونه دیدید، بدتان نیاید، این است که دانشجویان عزیز! فرصت‌ها را غنیمت شمارید، و دانشجویی کنید! که چشم بر هم بگذارید، دوران کارشناسی‌تان تمام شده و هیچ! نمی‌گویم (زمانی که دانشگاه‌ها باز شد) کافه‌گردی‌های انقلاب تا چهارراه ولیعصر و پیچاندن کلاس‌های استادانی که با آن‌ها حال نمی‌کنید را به کلی رها کنید و بنشینید درس بخوانید و بفرمایید در تشکلی ما، فعالیت تشکیلاتی داشته باشید. نه، این را نمی‌گویم. اما کتاب هم بخوانید، فعالیت تشکیلاتی هم بکنید و درس را هم جدی بگیرید، در این وانفسای بی‌علمی و بی‌دغدغه بودن، دغدغه داشته باشید و علم.

قصه، در این نشریه، کمی از خودمان برای‌تان گفتیم. از تشکلی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل. از هویت‌مان و چیستی‌مان. کمی از دانشگاه و دانشکده گفتیم، کمی هم نصیحت‌تان کردیم. چنانچه ما را خواندید و به ما علاقه‌مند شدید و این سوال در ذهن‌تان ایجاد شد، که انجمن مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی در حال حاضر چه می‌کند و اصلاً دغدغه‌اش چیست، به ما سر بزنید، که در تشکلی همیشه به روی شما باز است.

راستی، روزتان هم مبارک.

نسترن محمد حسینی

چرا انجمن اسلامی دانشجویان مستقل؟

صادق فرامرزى

ارشد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران

دنیایی که زورها «دادنی» و حق‌ها «گرفتنی» است به گوشه دنجی سکنی گزیدن و دل به «ان شالله» درست می‌شود» بستن‌ها کار اصحاب عافیت است. روح مرحوم آوینی شاد باشد که به ما آموخت: «اگر انسان‌هایی که مامور به تحول در تاریخ هستند، خود از معیارهای عصر خویش تبعیت کنند، دیگر هیچ تحولی در تاریخ اتفاق نمی‌افتد»

با این همه پیش از اینکه به معرفی یک تشکل پردازیم شما را به چالش رضایت و نارضایتی از وضع موجود دعوت می‌کنیم، اگر از آنچه که هست راضی هستید و به آنچه که باید باشد بی‌اعتنا، برایتان در تمامی مراحل تحصیلی آرزوی موفقیت می‌کنیم و صمیمانه درخواست می‌داریم که پا به عرصه فعالیت تشکیلاتی نگذارید.

۲- آیا از دل فعالیت‌های تشکیلاتی تغییری حاصل می‌شود؟

خیر! اگر انتظار دارید که در پایان فعالیت تشکیلاتی‌تان روند گرم شدن زمین متوقف شود، مافیاهای تولید و توزیع مواد مخدر جملگی نیست و نابود گردند، تولید ناخالص داخلی ایران سایه به سایه چین برسد، تمامی مسوولین در تمامی رده‌ها استعفا دهند و «هرچه شما و تشکیلاتتان بگویید به روی چشم» تبدیل به اصل اول قانون اساسی شود، بهتر است مطلع شوید که تشکل‌های دانشجویی از

وقتی که در آستانه آخرین مهرماه دوران دانشجویی مقرر شد که مطلبی برای ویژه نامه دانشجویان جدیدالورود بنویسم حس دوگانه‌ای آزارم می‌داد، از یکسو غرور نسبی که نوشتن مطلب پیرامون سوژه‌هایی که بخش جدایی ناپذیر زندگی این سال‌ها بوده کار چندان دشواری نیست و از سوی دیگر غلبه یافتن این بیم که شکاف سنی میان نویسنده و خواننده، آن هم در بخشی از تاریخ که هر یک سالش بستر هزارها حادثه و پوست اندازی داخلی و خارجی است کاری دشوار است و شاید سرانجام این سیاه مشق آنچه نباشد که مطلوب نظر بنماید. با همه این‌ها باز هم می‌شود به طرح پرسش پیرامون مهمترین مسائلی که این سال‌ها حجم ذهنمان را اشغال کرده بودند پرداخت!

۱- چرا باید فعالیت تشکیلاتی کرد؟

راستش این اولین سوالی است که هر دانشجوی جدیدالورود در میان رنگ و لعاب اتاق‌های تشکیلاتی از خود می‌پرسد، نه بیجاست و نه طرحش کسر شانی برای یک دانشجو می‌باشد.

پاسخ این سوال می‌تواند کاغذها سیاه و نشریه‌ها پر کند، اما شاید به ساده‌ترین شکل ممکن بتوان این‌گونه اندیشید که در دنیای «هست»‌ها به دنبال «باید»‌ها رفتن انسان‌هایی می‌خواهد «متعهد»، «متعهد به چه چیز، خارج از بحث اولیه ماست». در

تحقق این‌ها ناتوانند.

بله! اگر کمی پایتان را از روی آسمان‌ها به روی زمین بگذارید و خارج از دنیای صفر و صدی به محیط پیرامونی نگاه کنید با بی‌نهایت تغییرات بزرگی مواجه می‌شوید که مبدا تمامی آن‌ها در اتاق‌های کوچک تشکیلاتی بوده است. خودش را به حقیقت و عدالت حساس می‌سازد (هدفی بلند مدت)، بعد از آن‌ها استفاده بهینه می‌کند تا محیط اولین تغییری که تشکیلات بوجود می‌آورد بر روی خودش است (چه دور باطلی!) اما (خب حق است!!)، تشکیلات ابتدا امر نیروهای پیرامونی به آرمان‌هایش نزدیک تر شود (هدفی میان-مدت) و نهایتاً تلاشش را می‌کند تا آن محیط پیرامون هرچه بیش از پیش برای تحقق آن آرمان‌ها بسیج شود (باز هم هدفی بلندمدت). خلاصه چیزی شبیه همان «دانشجو موذن جامعه است» شهید بزرگوار بهشتی!

۳- «انجمن اسلامی دانشجویان مستقل» چیست؟ و چرا؟

پاسخ به این پرسش بخشی تاریخی دارد و بخشی هویتی، از جنبه تاریخی آغاز به کار انجمن‌های اسلامی به سال ۱۳۲۱ بر میگردد و در عمر ۷۷ ساله و پربرت آن دچار فراز و نشیب‌های متعددی شده‌است که در یک فقره آن بیست سال پیش و درست در زمانی که تعدادی از دفاتر انجمن‌های اسلامی نسبت به «اسلامیت» و «استقلال» این تشکل نگران شدند دست به انشعابی مهم در دفتر تحکیم وحدت وقت که تبدیل به «روابط عمومی دولت» شده بود زدند و از ساحت اسلامی و مستقل این شجره طیبه دفاع نمودند (شرح این تاریخ

و تاریخچه بماند به وقتش و در بخش دیگری از این نشریه) اما از جنبه هویتی، «انجمن اسلامی دانشجویان مستقل» میراثدار خوانش اجتماعی (نه صرفاً فردی) و سیاسی (نه صرفاً اخلاقی) از اسلام می‌باشد، خوانشی که اسلام را نه بعنوان یک امر فرعی که بعنوان مکتبی جهان‌ساز واجد ورود به ساحت فکر و عمل می‌داند و درست در مقابل خوانش سکولار دیگر انجمن‌های اسلامی که پوششی برای انزوای اسلام و اسلام‌گرایی بوده‌اند، تعریف می‌گردد. بیست سال قبل و زمانی که حامیان گفتمان اصلی انجمن‌های اسلامی اقدام به انشعاب نمودند شعاری یک خطی داشتند که این شعار را می‌توان خلاصه‌ای از مرام عملی تشکیلات دانست: «نقد حکومت آری، نفی حاکمیت هرگز!»، حال و در میان دوگانه پرنرنگ دانشگاه تهران که یکی نقد حکومت را نفی انقلابی‌گری می‌داند و دیگری با نفی حاکمیت به دنبال دریافت کوپن آزادی‌خواهی است، ما همواره شعار قدیمی خود را تنها راهکار برای عدالت‌طلبی حقیقی که نه اسیر مصلحت‌سنجی‌های بی‌مورد گردد و نه به دام رادیکالیسم ضدانقلابی افتد می‌دانیم.

گفتمان انجمن اسلامی دانشجویان مستقل گفتمانی برآمده از سه مطالبه اصلی انقلاب اسلامی یعنی «استقلال ملی»، «عدالت اجتماعی» و «آزادی سیاسی» بعنوان مقدمه برقراری ارزش‌های اسلامی می‌باشد. مسیری برآمده از آرمان‌ها که بر مدار واقعیت‌های موجود نامطلوب به سمت ارزش‌های مطلوب ناموجود حرکت خواهد کرد.

۴- نهایتاً چه خواهد شد؟

پیوست به «خیر» و «بله» جواب سوال دوم، مرحوم شریعتی وصف کوتاهی از شهدای شانزدهم آذرماه ۳۲ دارند که در بخشی از آن آمده است «این سه یار دبستانی که هنوز که هنوز مدرسه را ترک نگفته اند، هنوز از تحصیلشان فراغت نیافته‌اند، نخواستند همچون دیگران کوپن نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخور خویش برند»

شاید خلاصه هدف تشکیلاتی اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مستقل همین باشد، اینکه کوپن نانی نگیرند و سر در آخور عافیت خویش نبرند، تشکیلات برای آنها می‌تواند آخرین سنگر باقی‌مانده برای دفاع از آرمان‌های اولیه باشد. تشکیلات دوره کارآموزی جنگیدن برای اصلاح وضع موجود است، کنشی هدفمند برای ممانعت از «بی تفاوت» ماندن!



ریشه هویت ما

اوایل دهه ۳۰ خورشیدی، وقتی اولین دانشجویان مسلمان، با اقامه نماز در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، و برای مقابله با افکار ضددینی دور هم جمع شدند، نمی دانستند قرار است آغازکننده راهی باشند که تا سالیان سال پس از آن‌ها، روحی را در فضای دانشجویی بدمد که مسیحای دانشگاه‌ها باشد. اولین بارقه انجمن اسلامی دانشجویان و حضور دانشجویان مسلمان، ابتدا در دانشکده پزشکی درخسید و پس از آن دانشکده فنی نیز به آن پیوست و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران تاسیس شد. دانشجویان مسلمان توانستند، گفتمان اسلام‌گرا را به عنوان گفتمان غالب در مقابل گروه‌های التقاطی در دانشگاه‌ها مطرح کنند.

پس از کودتا سال ۱۳۳۲، در فضای سرد خفقان‌زده آن زمان، دانشجویان، اولین گروهی بودند که در برابر استبداد شاهی، در اعتراض به سفر نیکسون به تهران ایستادند. اما استبداد تاب نیورد و نیروهای نظامی‌اش را به جان دانشجویان انداخت و دانشگاه تهران شاهد ریخته شدن خون «سه یار دبستانی» بود. و در آن ۱۶ آذر، به قول دکتر شریعتی، «آذر مان در آتش بیداد سوخت، او را در پیش پای نیکسون قربانی کردند». پس از آن نیز، فعالیت‌های جنبش دانشجویی در اعتراض به ساختار سیاسی حاکم، ادامه داشت. اتحاد دانشجویان با یکدیگر ادامه یافت تا سال ۱۳۴۰ که اولین کنگره انجمن اسلامی دانشجویان، با حضور ۱۳ دانشگاه برگزار شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اوایل سال ۵۸ بود که دانشجویان در دیداری با رهبر کبیر انقلاب اسلامی ملاقات داشتند و امام خمینی(ره) با جمله تاریخی «بروید و تحکیم وحدت کنید» بر ضرورت تاسیس اتحادیه تاکید می‌کنند. پس از این دیدار مرام‌نامه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور تنظیم شده و پس از بیعت با امام، این اتحادیه و سازمان‌های دانشجویی سراسر کشور (تحکیم وحدت)، شکل می‌گیرد.

پس از آن، همزمان با بازگشایی دانشگاه‌ها و شروع جنگ، تشکیل بسیج دانشجویی و اعزام دانشجویان به جبهه‌های



جنگ، اعم فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان بود. انتخابات سال ۶۲ اولین حضور دانشجویان در عرصه سیاسی بود. هر چه از سال‌های ۶۴ و ۶۵ به سال‌های پایان جنگ نزدیک می‌شدیم، فضای جنبش دانشجویی تغییر می‌کرد. یک جریان غرب‌گرای نوین در میان جنبش دانشجویی به وجود آمد و سعی در گسترش تفکر خود با ظاهری اسلامی داشت. آن‌ها فضای دانشگاه‌ها را به سمت رادیکالیزه کردن سوق دادند و این موجب شکل‌گیری دو طیف در جریان جنبش دانشجویی شد. جریانی که با تحولات جدی در افکار و عقایدشان به سمت رویگردانی از مرام‌نامه پیش می‌رفتند و خواستار بازنگری در اساس‌نامه انجمن اسلامی شده بودند و گروهی که به پایبندی به اسلام و حرکت در چارچوب مرام‌نامه، تاکید می‌کردند.

پس از رویدادهای سیاسی دوم خرداد ۷۶ و روی کار آمدن دولت اصلاحات، تغییر رفتار انجمن اسلامی دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم آشکار شد و جنبش دانشجویی با نزدیک کردن خود به بدنه دولت، به سهم‌خواهی از جریان قدرت پیروز، روی آورد. طی حادثه کوی دانشگاه، دو گفتمان، در فضای بدنه دانشجویی ایجاد شد. یکی گفتمانی که با نگاهی توجیه‌گرایانه، هر نوع انتقادی را نسبت به هر شخص و هر دستگاهی نفی می‌کردند و به کلی راه انتقاد و گفتگو را بسته بودند و عده‌ای که در مقابل این گفتمان قرار داشتند و با رویگردانی از اساس‌نامه انجمن اسلامی، به طرح شعارهای ساختارشکن، رو کرده‌بودند. در این میان، یک گفتمان، در جریان دانشجویی متولد شد، گفتمانی که احیای واژه به واژه «انجمن اسلامی دانشجویان» را آرمان خود قرار داد. گفتمانی که، با رد نگاه توجیه‌گرایانه، انتقاد به جریان‌ها، مسئولان و نظام سیاسی حاکم را از وظایف مهم و جدی جریان دانشجویی تلقی می‌کرد،



استقرار آرمان‌های انقلاب اسلامی، در تلاشیم برای مطالبه‌گری. مطالبه‌گری آن دسته از شعارهایی که پس از گذشت چهار دهه، رنگ فراموشی به خود گرفته‌اند و یا در اجرای آن‌ها، لنگ لنگان و با ضعف پیش رفته‌ایم. مطالبه‌گری برای استقرار عدالت و رفع سایهٔ منحوس تبعیض، چه در بعد اقتصادی و چه در بعد جنسیتی. در این راستا و در این عمر چند ساله، قدم‌هایی برداشته‌ایم. این قدم‌ها هر چند کوتاه، اما در راهی است که انتهایش آرمانی بزرگ قرار دارد. ما در دفتر کوچک خود، در جمع‌های کوچک دانشجویان دغدغه‌مند، فکر می‌کنیم تا بتوانیم، به حد وسع و بضاعت‌مان، کاری عمیق و ریشه‌ای انجام دهیم، تا جنبش دانشجویی را از سطحی‌گویی‌ها رها کرده و آن را به جایگاه اصلی خودش برگردانیم. ما تلاش می‌کنیم و دست‌های خود را در مقابل همهٔ شیفتگان قدرت مشت می‌کنیم، تا شاید بتوانیم راه را برای تشنگان خدمت هموار کنیم.

گفتمانی که آرمانش را تلاش در جهت نیفتادن در دام رادیکالیسم بنا نهاد. سرانجام در ۱۳ آبان ۷۸ عده‌ای از دانشجویان، با تشکیل یک جمع ۱۸ نفره از انجمن‌های اسلامی سراسر کشور، در قالب اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور، با شعار «نقد حکومت آری، نفی حاکمیت هرگز» اعلام موجودیت کردند. این جریان دانشجویی با حرکت در مسیر آرمان‌های جنبش دانشجویی، به همراه یک گفتمان انتقادی، توانست بزرگترین اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی را پس از، از هم‌پاشیدگی دفتر تحکیم وحدت، ایجاد کند.

در حال حاضر، ما دانشجویان انجمن اسلامی دانشجویان مستقل در دانشگاه تهران، در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشکده‌ای که با وجود رخوت حال حاضر جریان دانشجویی، همچنان خود را سراپا نگه داشته و دانشجویانش همچنان صدای بلندی برای فریاد کشیدن و روح سرکشی برای مشت کردن دست‌هاشان و دغدغه‌ای برای از پای ننشستن دارند، در تلاشیم برای



کیمیامحمدزاده
کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

تنفس در سیاسی ترین دانشگاه و دانشکده

دانشگاه تهران، نماد آموزش عالی کشور، دانشگاه مادر، کانون تحولات و.. شاید بتوان گفت یکی از متفاوت ترین دانشگاه‌هایی است که هیچ وقت از ورود به آن پشیمان نمی‌شوید. واقع شدن بخش اعظمی از این دانشگاه در محدوده خیابان انقلاب، یادآور کتابفروشی‌ها و کافه‌هایی است که یکی از جذاب‌ترین پاتوق برای دوران دانشجویی است. از طرف دیگر وجود کتابخانه ی مرکزی، مسجد دانشگاه، سلف دانشگاه و... از مکان‌هایی است که بخشی از خاطرات دانشجویی شما را تشکیل خواهد داد. در دوران کارشناسی آنقدر با محیط و فعالیت‌های دانشگاه سرگرم خواهید شد که اگر تا پاسی از شب دانشگاه ننماید تا غروب در آن جا زندگی خواهید کرد. قرار گرفتن این دانشگاه در مرکز شهر و نزدیکی به مترو و اتوبوس هم از نقاط قوت این دانشگاه است. متاسفانه با تعطیلی دانشگاه، دانشجویان به زل زدن روی صفحه گوشی و لپ‌تاپ خلاصه می‌شود ولی اگر کورسوی امیدی برای بازگشایی دوباره دانشگاه‌ها باقی مانده باشد؛ بیان این موارد خالی از لطف نیست. اگر بخواهیم نگاهی به تاریخچه دانشگاه بیندازیم. در ۸ خرداد ۱۳۱۳ قانون تاسیس این دانشگاه در مجلس شورای ملی تصویب شد. این دانشگاه در دوره ی رضاخان به عنوان اولین مرکز یادگیری علوم و فنون نوین و آموزش رشته‌های تخصصی راه اندازی شد. در گیرودار نوسازی هرچه سریع‌تر و مدرن‌تر ایران، علی اصغر حکمت که در آن دوره کفیل وزیر معارف بود، در میان تعاریف و تمجیدهایی که وزرا از پیشرفت و شکوفایی شهر تهران می‌کردند؛ می‌گوید: «البته که در آبادی و عظمت پایتخت شکی نیست ولی تنها نقص آشکار

افراد برای مقام‌های اداری و وزارت خارجه، تاسیس شد. مدرسه علوم سیاسی پس از مدرسه طب، دومین مدرسه ای بود که به منظور یادگیری علوم و فنون نوین تاسیس گشت. مدرسه حقوق هم در سال ۱۲۹۰ به منظور تامین کادر قضائی کشور، توسط وزارت عدلیه تاسیس شد. در نتیجه می‌توان گفت حقوق و علوم سیاسی جزو دانش‌هایی است که در آشنایی ایران با تحولات روز دنیا به شدت اثرگذار بوده است. این دانشکده با چنین پیشینه‌ای آغاز به کار کرد.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، از قدیمی ترین دانشکده‌های دانشگاه تهران محسوب می‌شود. دانشکده ای که در خیابان ۱۶ آذر واقع شده است و همین امر ارتباط نزدیکی با فعالیت‌های دانشجویی این دانشکده پیدامی‌کند.

طی سال‌های اخیر فضای دانشکده حقوق و علوم سیاسی به سمتی رفته است که در عین حال که محملی برای اساتید برجسته ی حقوق و علوم سیاسی مانند استاد ناصر کاتوزیان، محمدعلی موحد، حمیدعنایت، داریوش آشوری و... بوده است. محلی برای پیدایش تشکل‌ها و انجمن‌های علمی و سیاسی بوده است. از این رو بی شک می‌توان سیاسی بودن را ویژگی لاینفک یک دانشجوی حقوق و علوم سیاسی تعریف کرد. این فضای سیاسی با وجود اینکه در بسیاری از جاها با هیجان و جو کاذب همراه بوده است. اما همین فضا در کمتر دانشکده‌ای وجود دارد.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده‌ای است که شاید در نگاه اول برایتان قدیمی و دلزده به نظر برسد. ولیکن به هنگام حضور در آن به اشتباهتان پی خواهید برد. همین نیمکت‌های تاریخی، پله‌های فسیل شده،

آن این است که انیورسته ندارد و حیف است که در این شهر نوین از این حیث از دیگر بلاد بزرگ عالم، واپس ماند.» از آن جا بود که ایده ی تاسیس دانشگاه پدید آمد. و دانشگاه کانونی برای بیان اندیشه‌های غرب و شرق، متفاوت با آنچه که پیش از این در مدرسه دارالفنون و مدارس اروپایی و آمریکایی وجود داشت، شد. اما دانشگاه تهران صرفا به بیان علوم و فنون جدید محدود نشد بلکه به محلی برای رشد اندیشه‌های مختلف و بستری برای ظهور اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی تبدیل شد. سیر اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران نشان می‌دهد؛ از همان ابتدا که دانشجویان دانشکده علوم برای کمبود لوازم آزمایشگاهی اعتراض کردند و بعد ها که ماجرای ۱۶ آذر و شهادت سه تن از دانشجویان پیش آمد؛ هویت دانشجویی کم کم در حال شکل گیری بوده است. این هویت دانشجویی با همراهی دانشجویان در حمایت از دکتر مصدق، انقلاب اسلامی و اعتراضات بعدی بعد از انقلاب شکل دیگری به خود گرفت. و دانشگاه را مکانی برای کنشگری تبدیل کرد.

در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ دانشگاه تهران با شش دانشکده طب، فنی، علوم، علوم معقول و منقول، ادبیات و حقوق افتتاح شد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ابتدا دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی نام داشت. در حقیقت این دانشکده با ادغام مدرسه حقوق، مدرسه علوم سیاسی و مدرسه عالی تجارت که از اواخر دوره ی قاجار پایه‌ریزی شده بود، به فعالیت پرداخت. اما بعدها با جداشدن دانشکده ی اقتصاد از این دانشکده، حقوق و علوم سیاسی نام گرفت. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، داستان پر فراز و نشیبی دارد. مدرسه علوم سیاسی در سال ۱۲۷۸ با فرمان مظفرالدین شاه به منظور تربیت



بوفه‌ای که از گرانی و کیفیت غذاهایش اعتراض خواهید کرد، آسانسوری که بالا و پایین رفتن با آن از معجزات است، نمازخانه‌ای که رسالتش خانه‌ی دوم بودن است، کتابخانه و سالن مطالعه، محل دفاتر اساتید که به بهانه‌ی سوال، سیر مطالعاتی، نمره، پژوهش امتیازی و... به آن مراجعه خواهید کرد و... مانند دیگر دانشجویان این دانشکده برایتان معنای دیگری پیدا می‌کند.

درباره دانشگاه و دانشکده گفته شد. اما متأسفانه در شرایطی که کلاس‌ها و فعالیت‌های دانشگاه به صورت غیرحضورى برگزار می‌شود؛ چندان نمی‌توان دم از فضای دانشگاه و دانشکده زد. این نوشتار را به عنوان دل نوشته‌ی یک دانشجو بپذیرید. امید که دانشگاه دوباره به حالت عادی خود برگردد و بتوانید در این فضا تنفس کنید.

دانشگاه صحنه دانشجویی

زهره حسنی سعیدی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

دانشجو شدن آغاز یک راه است. راه رسیدن به اهدافی که قبل از کنکور، هر کس برای خودش برنامه‌ریزی کرده‌است. برای کنکور دادن و ورود به دانشگاه هزاران کلاس کنکور و تست زنی برای دانش‌آموزان گذاشته می‌شود. از تفریحات و مهمانی‌های زیادی در طول یک سال دانش‌آموزان می‌گذرند. به این استدلال که تمام تلاش خودشان را بکنند و بعد راحت می‌شوند.

دقیقا یکی از خطاهای سیستم آموزشی مدرسه این است که کنکور پایان راه معرفی می‌شود. در حالی که بالعکس. دانشجو شدن مسئولیتی چند بعدی است. شاید به جرئت بتوان این مسئولیت را با این شعر بهتر توصیف کرد :
«آسمان بار امانت نتوانست کشید، قرعه نام من دیوانه زدند».

مسیر فعالیت اجتماعی که هر دانشجویی مخصوصا دانشجویان دانشگاه تهران در آن قدم می‌نهند، از ابتدا باید بتوان شروع شود. خلا علمی در بسیاری از عرصه‌های کشور و وجود افراد دغدغه‌مند اجتماعی از مهم‌ترین نیازهای کشور است. که باید دانشجویان این کمبودها را بسازند.

برای اینکه یک دانشجو بتواند در جهت رفع این دو ضعف بر بیاید، باید به کسب توانایی بپردازد. در عرصه علمی، یک دانشجو در رشته خودش باید به انواع کتاب‌های مهم و موضوعات اساسی اشراف داشته‌باشد. هم‌چنین روز به روز بر اطلاعات و آگاهی خود بیفزاید. اما این تنها راه نیست. یک خلا و نقص دیگر در سیستم آموزشی انقطاع دانشگاه از واقعیت جامعه و دولت است.

این نقطه عطف مهمی است که کار دانشجو را وزن می‌دهد. دانشجو علاوه بر مسلط شدن بر علم دانشگاهی خودش باید زاویه دیدش را بزرگ‌تر و عمیق‌تر کند. دانشجو یعنی که چند قدم از همه مردم عادی جامعه جلوتر بودن، بنابراین برای آن که بتواند همانند زنبور بی‌عسل نباشد و از علم و آگاهی در جهت موثر و مفیدی استفاده کند باید به جامعه و واقعیت آن اشراف داشته و با دیدی علمی به مسائل جامعه بنگرد.



اینجا دومین مسئولیت یک دانشجو متبلور می‌شود. آن جایی که باید فرزند زمانه باشد و در برابر مشکلات و حوادث جامعه فعاله عمل کند نه به قول معروف سرش در برف باشد و تنها در همان نظریات دانشگاهی سیر کند. دانشجو صدای جامعه است. صدای تک تک دردهای مردم و مشکلات جوان ایرانی. صدایی که از جای گرم بلند نمی‌شود. صدای پر نفوذی که از میان علم و دانش برمی‌خیزد. این رسالت بزرگ به دوش هر کسی گذاشته نمی‌شود. در همین راستا نیز تلاش و کوشش بسیاری نیز می‌خواهد.

دانشجویان جدید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که این اسم پرآوزه را یدک می‌کشید. این اسم به اعتبار مکان نیست. این اسم به اعتبار افرادش است. اساتید و دانشجویان هستند که آوازه این اسم را نگه می‌دارند و دانشگاه تهران را دانشگاه تهران می‌کنند. بنابراین، این فرضیه را که دیگر راحت شدید و کنکور پایان کار است را کنار بگذارید و برای آن که بعد از چهارسال کارشناسی ناامیدانه به فکر ادامه تحصیل باشید یا بازار کار از همین ابتدا رسالت و جایگاه خود را بشناسید.

درست است که به دلیل شرایط کرونایی از کلاس حضوری و جو و هیجان‌ات آغاز دانشگاه دور مانده‌اید، اما با قدرت شروع کنید. هیجان‌ات زودگذر هستند و کسب دانش ماندگار است.

البته درست است که وضعیت نابه‌سامان جامعه ناامیدی و رخوت به روح آدمی تزریق می‌کند و برای بعضی از دانشجویان بهبود از اوضاع جهان در آن سوی مرزها حس می‌شود، اما آب در کوزه است و دور جهان نگریدید! براساس رسالتی که در پاراگراف‌های قبل توضیح داده‌شد، بهبود از تلاش جمعی تک تک دانشجویان و جوانان همین کشور حاصل می‌شود. هنگامی که همگی باهم تلاش کنید و هر کس یک تکه پازل از کشور را درست کند.

یکی از اساتید بزرگ اندیشه سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد داوود فی‌رحی، که در ایران ماند و سال‌ها تلاش کرد. کسی که یکی از پایه‌های علوم سیاسی ایران بود در اثر ابتلا به کرونا در آبان ماه فوت شدند. علاوه بر سیره عملی ایشان که الگوی تک تک دانشجویان است. جمله‌ای زیبا در ارتباط با همین موضوع از ایشان به یادگار مانده است: ایشان به دانشجویی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را داشته‌است می‌گوید:

بدان ایران امروز مانند خانه‌ای است که سقفش خمیده و هر کس این خانه را ترک می‌کند زیر این سقف را به تناسب مسئولیتش خالی می‌کند.